

خارج از مدار

تیراندازی مرگبار در یک رستوران امریکا

تیراندازی در رستورانی در ایالت تگزاس امریکا یک کشته و دو زخمی بر جای گذاشت.
به گزارش خبرنگار ژسی شنبهپناه، تیراندازی در پی درگیری در یک رستوران مکزیکی واقع در جنوب شرق تگزاس روی داد. پلیس اعلام کرد حدود ۳۰ نفر هنگام تیراندازی در رستوران حضور داشتند که بر اثر آن یک نفر کشته شد و دو نفر زخمی و روانه بیمارستان شدند. هویت قربانیان هنوز فاش نشده است اما گزارش ها حکایت می از آن دارد که قربانی و یکی از مجروحان تبعه مکزیک بوده‌اند. تاکنون هیچ فردی در ارتباط با این تیراندازی بازداشت نشده و جزئیات بیشتری در این زمینه منتشر نشده است.

سر درماتگر کامبوجی به خاطر جادوگری به باد رفت

اهالی یکی از روستاهای کامبوج، سر درمانگری را به اتهام جادوگری قطع کردند.
به نوشته روزنامه اینترنتی، روسی لنتا خیو پورن ۵۵ساله در زمان برگزاری جشن برداشت برنج قربانی شد.شش نفر وی را محاصره و با تیر ضرباتی به او وارد کردند و سپس سرش را بردند. پلیس محلی تحقیقاتی را در خصوص این جنایت آغاز کرده است. بر اساس داده‌های اولیه، مقتول بعد از مرگ چند تن از بیماران به استفاده از جادوی سیاه متهم شده است.

گفتنی است تعداد زیادی از مردم کامبوج به ویژه ساکنان روستاهام معتقدند درمانگران قدرت خارج ساختن ارواح شیطانی عامل بیماری‌ها را از بدن دارند.

قتل ۲ کودک در مراسم جن گیری

پلیس امریکا از دستگیری دو زن به اتهام قتل دو کودک یک و دو ساله با هدف اعمال خرافی جن گیری خبر داد. پلیس محلی می‌لیند با اعلام خبر دستگیری این دو زن ۲۱ و ۲۸ ساله اعلام کرد: هر دو کودک بر اثر ضربات چاقو جان باخته‌اند.

براساس گزارش پلیس، این دو زن به قتل ناخرجام و مجروح کردن دو کودک پنج و هشت ساله دیگر نیز متهم هستند.

پلیس مریلند در توضیح بیشتر این حادثه اعلام کرد: یکی از همسایگان با دیدن درهای باز یک خودرو نزدیک محل سکونت این دو متهم و رها شدن یک چاقو در بیرون خودرو، مشکوک شده و موضوع را به پلیس گزارش داده است. مأموران بعد از حضور در محل جسد دو کودک را کشف کردند.

سرت میمون از باغ وحش

پنج میمون کمیاب از باغ وحشی در شهر «پلندورن» هلند زودبیده شدند.
به گزارش ایسنا، سارقان شامگاه یک شنبه با بریدن فنس‌ها وارد قفس میمون‌ها شدند و آنها را ربودند.

این دومین بار طی یک سال است که میمون‌های مینیاتوری از یک باغ‌وحش روده می شوند. در موردی مشابه نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی سارقان با همین شیوه به باغ‌وحش دیگری در نزدیکی همین باغ‌وحش وارد شدند و دست به سرقت میمون‌های مینیاتوری زدند.

تصادف خونین اتوبوس مسافری با پراید

تصادف اتوبوس و پراید در جاده قدیم کرچ – تهران ۱۰ مجروح بر جای گذاشت.
مدیر روابط عمومی مرکز اورژانس تهران گفت: این حادثه شبانه ۶ و ۲۰ دقیقه دیروز در جاده قدیم کرچ – تهران، تقاطع سه راه شهریار رخ داد و مأموران این مرکز با پنج آمبولانس به این محل اعزام شدند. حسن عباسی گفت: حال یکی از مصدومان وخیم گزارش شده است و مأموران این مرکز با ارائه خدمات درمانی لازم، مصدومان این حادثه را برای ادامه درمان به بیمارستان شهید فیاض‌بخش منتقل کردند.

مرگ مرد سالخورده در انفجار گاز

نشست گاز و آتش‌سوزی در یک واحد مسکونی شهر نوش‌آباد شهرستان آران و بیدگل یک کشته بر جای گذاشت.
مدیر آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری آران و بیدگل گفت: صبح دیروز این منزل مسکونی بر اثر اتصال سیم برق و نشست گاز آتش گرفت که بر اثر آن پیرمرد ۷۰ساله جان باخت و همسر ۶۵ساله‌اش مجروح و به بیمارستان منتقل شد. آقای بهروان افروز: مأموران آتش‌نشانی بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند و آتش‌سوزی را مهار کردند.

پسران خلافکاری که برای دوچرخه‌سواری دختران ایجاد مزاحمت می‌کردند با تلاش شورای امر به معروف ناکام ماندند.

به گزارش خبرنگار ما، اردیبهشت ماه امسال تعدادی از اهالی محله‌ای در شهر «توره» از توابع «شازند» به شورای امر به معروف و نهی از منکر رفتند و از موضوع دوچرخه‌سواری تعدادی از دختران دبیرستانی در خیابان اظهار نگرانی کردند. یکی از معتمدان محل گفت: مدتی است تعدادی از دختران جوان که غالباً دانش آموز دبیرستانی هستند بعد از تعطیل شدن از مدرسه به خیابان می‌آیند و دوچرخه‌سواری می‌کنند. وی افزود: آنها پوشش و حجاب مناسبی ندارند و همین موضوع باعث شده تعدادی از افراد خلافکار در این خیابان تجمع کنند و احتمال دارد اتفاق ناگواری رخ دهد. به خاطر

به همت شورای امر به معروف و نهی از منکر توره

محل امن دوچرخه‌سواری دختران جوان فراهم شد

همین موضوع معتمدان محل نگران هستند و به اینجا آمده‌اند تا با راهمایی این شورا، آنها ارشاد شوند.
بعد از این شورا جلسه‌ای تشکیل داد و قرار شد یکی از معتمدان محل به همراه امام جماعت مسجد این موضوع را دنبال کنند. تحقیقات اولیه‌شان داد موضوع دوچرخه‌سواری تعدادی از دختران در خیابان باعث حضور برخی پسران خلافکار در محل و ایجاد مزاحمت برای دختران جوان شده است. یکی از اعضای شورا به خبرنگار ما گفت: در نخستین گام والدین دختران جوان شناسایی شدند و به جلسه‌ای که با حضور امام‌جماعت و چند تن از اساتید جامعه‌شناس و سرشناسان شهر در مسجد محل برگزار شد، دعوت کردیم. در طول جلسه درباره نقش والدین در تربیت فرزندان و پیشگیری از وقوع جرم حرف زدیم

عامل قتل مأمور پلیس محاکمه شد

بی‌هدف شلیک کردم



بعد از آن قاضی اسلامی، متهم را به جایگاه دعوت کرد. خسرو اتهام خودش را انکار کرد و گفت: قبول دارم که شب حادثه دو گلوله شلیک کردم اما من مرتکب قتل نشده‌ام. شش سال از ماجرا گذشته و من هم جزئیات شب حادثه را به یاد ندارم.
متهم توضیح داد: آن شب هوا خیلی تاریک بود. نیمه‌شب بود که به عوارضی سواه رسیدیم. من رانندگی می‌کردم و دوستم در صندلی شاگرد نشسته بود.

و بعضی از کارشناسان هم نظرات خودشان را ارائه دادند. افراد حاضر در جلسه همگی در جریان موضوع دوچرخه‌سواری دخترانشان قرار گرفتند و متوجه شدند تکرار این فعالیت زمینه‌ناهنجاری‌هایی را در شهر فراهم می‌کند. سرانجام این جلسه با رضایت طرفین و همچنین متعهد شدن والدین نسبت به کنترل و توجه بیشتر به فرزندان‌شان پایان یافت.

عضو شورای امر به معروف ادامه داد: در گام بعد اساتید جامعه‌شناس و جرم شناس با حضور در دبیرستان درباره زمینه‌های بروز جرم به ایراد سخن پرداختند. پس از آن با تلاش مسئولان، محل امنی برای دوچرخه‌سواری دختران فراهم و از یک آسیب جدی جلوگیری شد.

کردم. فکر می‌کردم می‌توانم از دست آنها فرار کنم. اما ماشین پلیس خیلی زود پشت سرم قرار گرفت. آنها هشدار می‌دادند و می‌خواستند که توقف کنم. مسافتی را رفتم تا اینکه ماشین را متوقف کردم و پیاده شدم. پای پیاده به طرف بیابان دویدم. فکر کردم که مأمورها دنبالم نمی‌آیند اما خیلی زود سه مأمور از ماشین پلیس پیاده شدند و به دنبالم آمدند. آنها دست بردار نبودند و مرا تعقیب می‌کردند. وقتی به من نزدیک شدند برگشتم و با اسلحه کمری که همراهم بود دو گلوله دوم را بی‌هدف شلیک کردم. خواستم آنها را بترسانم. بعد از آن مأمورها دنبالم نیامدند و موفق شدم فرار کنم. تا اینکه سال گذشته بازداشت شدم.

قاضی سؤال کرد: اگر ادعای بی‌گناهی می‌کنی چرا در اولین بازجویی‌ها به قتل اقرار کرده و حادثه را توضیح داده‌ای؟
متهم جواب داد: وقتی بازداشت شدم من را در صندوق عقب ماشین سوار و به اداره پلیس منتقل کردند. به خاطر ترسی که داشتم به قتل اقرار کردم اما حالا حرف‌های قبلی‌ام را انکار می‌کنم.

بعد از آن مرد جوانی به عنوان شاهد در جایگاه قرار گرفت. او گفت: حادثه در نزدیکی خانه ما اتفاق افتاد. نیمه‌شب بود و هوا هم گرم. پنجره اتاق‌مان باز بود که صدای شلیک دو گلوله را شنیدم. کنجکاو شدم و به دنبال صدای رفتم. مردی را دیدم که در تاریکی هوا می‌دوید و دو مأمور به دنبال او بودند. مأمور پلیسی هم تیر خورده و روی زمین افتاده بود. من صورت مردی را که فرار می‌کرد ندیدم.

شاهد دیگری به داد‌گاه گفت: من عقب‌انتم خوابیده بودم که دو نفر را دیدم در تاریکی هوا مردی را دنبال می‌کنند. فهمیدم که مأمور هستند. یکی از مأمورها به مأمور دیگری می‌گفت نرو. او مسلح است. بعد صدای شلیک را شنیدم. دو گلوله شلیک رفت و خودرو را اراسی و اسلحه کلاشنیکفی را که همراه‌مان بود، پیندا کرد. مأمورها هنوز ما را بازرسی شد. قاضی اسلامی بعد از شنیدن دفاعیات و کیل و آخرین دفاع متهم ا اعضای دادگاه وارد شور شد.

کیف قاپی پشت چراغ قرمز برای خریدن کتانی مارک‌دار

در بازرسی از مخفیگاه متهمان چند عدد کارت عابر بانک و مدارک شناسایی کشف شد و از این طریق کارآگاهان موفق شدند تعداد دیگری از مالباختگان را هم شناسایی کنند.
حامد و رسول در جریان بازجویی‌ها اعتراف کردند پس از سرقت کیف دستی زن جوانی در خیابان جمالزاده به یک مغازه لوازم ورزشی رفتند و با کارت عابر بانکی که داخل آن کیف بود دو کفش ورزشی به قیمت یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان برای خودشان خریدند.

سرنگ کارآگاه میرزکی رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران با اشاره به اعتراف متهمان به چندین مورد سرقت به این شیوه گفت: به دستور قاضی ذکیپور انتشار بدون پوشش تصاویر هر سه متهم در دستور کار قرار گرفته است.
وی از مالباختگانی که موفق به شناسایی تصاویر متهمان شده‌اند خواست برای پیگیری شکایات خود به پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کنند.

۳۱هزار جوجه در آتش‌سوزی کامیون کباب شدند

۳۱هزار جوجه دو روزه در آتش‌سوزی کامیون در محور سهولات – یجستان تلف شدند.
این حادثه بامداد دیروز در کیلومتر ۵۵انفال فصل تپویه هوادر کامیون روی داد که مجیز نبودن کامیون به وسایل اطفای حریق سبب سرایت آتش به درجه قلب محمدحسن به شش بیمار نیازمند پیوند زده شد.
این امدادگر از سال ۸۵ عضو سازمان امداد و نجات هلال احمر ورامین بود و در پایگاه‌های جاده‌ای به امدادسانی می‌پرداخت.



اسمش حامد بود گرفتیم و از سرقتی بودن آن خبر نداشتیم.
کارآگاهان در ادامه با شناسایی هویت دقیق حامد که از مجرمان سابقه‌دار بود، تصویر او را به مرد جوان و مالباخته نشان دادند که آنها هم حامد را شناسایی کردند. بدین ترتیب کارآگاهان محل تردد متهم را که در میدان راه‌آهن بود زیر نظر گرفتند و سرانجام موفق شدند هشتم دی و پس از گذشت پنج‌ماه او را دستگیر کنند.
حامد - ۲۱ساله پس از دستگیری



همان لحظه ماشین گشت پلیس پشت سرم قرار گرفت. مأموران از ما خواستند توقف کنیم. من هم کنار جاده توقف کردم و دو هر از ماشین پیاده شدیم. یکی از مأمورها با چراغ قوه به طرف ماشین رفت و خودرو را اراسی و اسلحه کلاشنیکفی را که همراه‌مان بود، پیندا کرد. مأمورها هنوز ما را بازرسی شد. قاضی اسلامی بعد از شنیدن دفاعیات و کیل و فصله گرفت، خودم را به پشت فرمان رساندم و فرار



سارقان سابقه‌داری که در پشت چراغ‌های قرمز پایتخت، کیف سرنشینان خودروها را سرقت می‌کردند شناسایی و دستگیر شدند.
به گزارش خبرنگار ما، بیست و ششم مرداد امسال مردی به پایگاه هشتم پلیس آگاهی رفت و در شکایتی به مأموران گفت: همراه همسرم پشت چراغ قرمز تقاطع جمهوری - حافظ داخل ماشین بودیم که یک موتور با دو سرنشین به ماشین ما نزدیک شد و از شیوه شمت شاگرد که پایین بود در یک چشم به هم زدن کیف همسرم را از روی پایش برداشتند و خلاف جهت خیابان فرار کردند. او گفت: داخل کیف یک چک بانکی همراه با امضا بود.

دختر معلول پس از ۴ سال خانواده‌اش را پیدا کرد

مقصومه شدند و از وی نوشتن نام خود با اقوام دوستانش را درخواست کردند که او همیشه یک نام و فامیل مشخص را می‌نوش.
وی گفت: با پیگیری‌های انجام شده و کمک اداره ثبت احوال شهرستان، مشخصات مقصومه و پدر و مادرش برای مجموعه قطعی شد و با آدرسی که مقصومه روی کاغذ نوشت و نام مدرسه محل تحصیل و با جست‌وجوی فراوان، مادر و برادر مقصومه پس از چهار سال به دیدارش آمدند.
مادر و برادر مقصومه به علت نداشتن توانایی مالی و شرایط خاص مقصومه، توانایی نگهداری او را در منزل ندارند و مقصومه همچنان در مرکز معلولان «رزو»ی قوچان نگهداری می‌شود.

زورگیری از مرد تاجر با همدستی زن برادر

دختر جوانی که با همدستی زن برادرش از خانه پسر مورد علاقه‌اش سرقت کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، هفته گذشته پسر جوانی به اداره پلیس رفت و از دو زن جوان به اتهام سرقت اموالش شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: تاجر هستم و وضع مالی خوبی دارم. مدتی است قصد ازدواج دارم تا اینکه چند ماه قبل با دختر جوانی به نام شهره در یک رستوران آشنا شدم. شهره خودش را دانشجوی معرفی کرد و گفت که پدرش پزشک است. من به حرف‌هایش اعتماد کردم و به او پیشنهاد ازدواج دادم. ارتباط ما ادامه داشت و یکدیگر را در پارک یا رستورانی ملاقات می‌کردیم. من به او گفتم که وضع مالی خوبی دارم و تاجر هستم اما او گفت باور نمی‌کند تا اینکه قرار شد همراه خواهر بزرگ‌ترش به خانه ما بیایند و از نزدیک وضعیت زندگی مرا ببینند. وی ادامه داد: امروز به من تلفن زد و گفت که در راه خانه ما است و قصد دارد مرا به خواهرش معرفی کند. در خانه منتظرشان بودم تا اینکه رنگ خانه به صدا درآمد. وقتی در را باز کردم شهره به همراه زن جوانی وارد شدند. بعد از احوالپرسی قصد پذیرایی از آنها را داشتم که ناگهان شهره جاقویی از کیفش بیرون آورد و مرا تهدید به سکوت کرد. خیلی ترسیده بودم و از ترس دست و پایم می‌لرزید. ابتدا فکر کردم شوخی می‌کند اما بعد متوجه شدم تهدید جدی است و آنها قصد سرقت دارند. شهره و همدستش هر چه پول داشتم به همراه مقداری طلا و اجناس گرانبقیمت‌خانه‌ام را برداشتند و من هم از ترس جانم هیچ اعتراضی نکردم. بعد از این آنها مرا داخل اتاقی زندانی و خودشان از خانه فرار کردند. وی در پایان گفت: شهره تهدید کرد اگر به پلیس شکایت کنم مرا می‌کشد.

بعد از مطرح شدن شکایات، پرونده به دستور قاضی شعبه سوم داسرای شمیرانات برای شناسایی دو زن سارق در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. پلیس در نخستین گام شهره را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کرد. متهم در بازجویی‌ها به سرقت از خانه پسر جوان با همدستی زن برادرش به نام رویا اعتراف کرد. وی گفت: مدتی قبل با احسان در رستورانی آشنا شدم. او ماشین خارجی گرانب قیمتی داشت که معلوم بود پولدار است. به همین خاطر خودم را به او نزدیک کردم و به دروغ گفتم که دانشجو هستم و پدرم پزشک است. من خیلی زود احسان را با حرف‌هایم فریب دادم و او به من پیشنهاد ازدواج داد. مدتی ارتباط ما ادامه داشت تا اینکه فیمیدم اشتباه نمی‌کنم و واقعا وضع مالی خوبی دارد. به همین خاطر وسوسه شدم اموال او را سرقت کنم. بنابراین نقشه سرقت را با زن برادرم طراحی کردم. وی ادامه داد: من به احسان گفتم پدرم خواسته خواهرم از نزدیک با من آشنا شود و در مورد وضع زندگی‌مو تحقیق کند. روز حادثه با زن برادرم به خانه احسان در شمال تهران رفتیم و با تهدید چاقو اموال با ارزش خانه‌اش را سرقت کردیم. بعد از اعتراف متهم، پلیس رویا را دستگیر کرد. متهم در بازجویی‌ها حرف خواهر شوهرش را تأیید کرد و گفت که شهره او را فریب داده است. دو متهم به دستور قاضی پرونده روانه زندان شدند.

مرد کلاهبردار خودروهای کرایه‌ای را می‌فروخت



مرد کلاهبرداری که خودروهای مدل بالا را کرایه می‌کرد و آنها را می‌فروخت، شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار ما، چندین پیش‌مردی کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی را در جریان کیف کلاهبرداری میلیونی قرار داد. او در توضیح ماجرا گفت: حدود دو ماه قبل یک خودروی سادی جنسیز را به همراه تمام اسناد و مدارکش در منطقه سپهسالار خریدم. روز بعد مأموران گشت پلیس آگاهی خودرو را توقیف کردند و گفتند این خودرو دارای سابقه سرقت است و از من خواستند برای پیگیری به پلیس آگاهی بروم. در آنجا بود که متوجه

شدم فروشنده، مبلغ ۶۰ میلیون تومان را به صورت نقد به مالک حقیقی خودرو پرداخت کرده و قرار بوده بقیه پول را هم به صورت اقساط به او بپردازم اما بدون اینکه به تعهدات عمل کند، ماشین را به من فروخته است. هم‌زمان با رسیدگی به این شکایت، مالباخته دیگری به پایگاه هشتم مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت: یک خودروی سساتافه را از مردی به نام اکبر حسین پور خریدم و ۳۵ میلیون تومان وجه نقد هم به او دادم. قرار شد بقیه پول ماشین را زمان انتقال سند و در محضر بدیم اما امروز سالتافه را از جلوی مغازه‌ام سرقت کردند. وقتی تصاویر دوربین‌های مدارسته را بررسی کردم در کمال تعجب همان فروشنده ماشین را دیدم که با سوتیج یک ماشین را باز کرد و از آن با خودش برد. شاکی ادامه داد: وقتی شکایت کردم متوجه شدم که سالتافه متعلق به کارآیه خودروهای مدل بالا است. کارآگاهان با بررسی شکایت‌های مشابه در یافتند مردی با اسامی مختلف و از طریق مراجعه به مراکز کرایه خودروهای مدل بالا این ماشین‌ها را کرایه می‌کند و با اسناد و مدارک جعلی یا دارای سابقه سرقت آنها را می‌فروشد.
تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان احتمالی آغاز شد تا اینکه بررسی سوابق خودروها نشان داد متهم پیش از فروش ماشین‌ها به بازار تهران و سایر استان‌های کشور مراجعه و با عنوان اینکه تاجر است با استفاده از چک‌های مسروقه خریدهای میلیونی می‌کند. یکی دیگر از مالباختگان هم در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: کار من پرورش بوقلمون است. با فرا رسیدن زمان فروش بوقلمون‌ها بخش عمده تولیداتم را به مبلغ ۴۸ میلیون تومان و در ازای یک فقره چک تحویل شخصی دادم که خودش را نماینده یکی از شرکت‌های سرشناس تولید محصولات پروتئینی و گوشتی معرفی کرده بود اما زمان وصول چک متوجه شدم که به غیر از من، از ده‌هافر دیگر هم به شیوه‌های مشابه کلاهبرداری کرده است. کارآگاهان از طریق چهرنگاری متهم به کمک مالباختگان و با بهره‌گیری از بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار تصویر یکی از متهمان سابقه‌دار به نام امیر - ۳۷ را شناسایی کردند که کارآگاهان گفت: کار من پرورش شناسایی مخفیگاه امیر در منطقه یوسف‌آباد، سرانجام کارآگاهان موفق شدند او را اواخر دی ماه دستگیر کنند.

متهم پس از مواجهه حضوری با شکات به کلاهبرداری‌های متعدد در طول پروتئینی و گوشتی معرفی کرده بود اما زمان وصول چک متوجه شدم که به کیف قاپ به مبلغ هر برگه ۵۰الی ۱۰۰ هزار تومان می‌خریدم. سرنهنگ کارآگاه داوود فرد، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران با اشاره به اعتراف متهم به دو مورد کلاهبرداری در طول یک سال گذشته و شناسایی تعداد زیادی از مالباختگان در مناطق مختلف کشور گفت: متهم با قرائنی برای انجام تحقیقات تکمیلی و شناسایی دیگر جرائم را تکلیف در اختیار کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.